

غزالی و آثار وی در مراکز علمی و دینی کردستان

شهباز محسنی

(کارشناس ارشد در ادبیات فارسی و ادیان و عرفان)

چکیده:

مقاله حاضر گزارشی است در معرفی نسخه‌ای خطی از احیاء علوم الدین که به وسیله کاتبی فرهیخته و خوش خط به نام اسمعیل مراغی در ساوجبلاغ (مهاباد کنونی) استنساخ و تصحیح شده است. کاتب، آن را به بوداق سلطان حاکم وقت مکریان (که ساوجبلاغ مرکز آن ناحیه بوده) اهدا کرده است. این نسخه نفیس چونان هزاران جلد کتاب پرارزش دیگر از کشورمان به غارت رفته است و توسط غارتگران فرهنگی به آن سوی مرزها برده شده است و هم‌اکنون در کتابخانه ملی قاهره است. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی این گفتار سعی در معرفی جایگاه آثار غزالی در حوزه‌های دینی و دانشمندان کردستان به عنوان بخشی از مجموعه بزرگ اسلام و ایران دارد.

کلید واژه:

۱- تخریج: از اصطلاحات علم حدیث؛ تحقیق درباره نشانی و مشخصات حدیث در امتهات احادیث.

۲- ساوجبلاغ یا ساوجبلاخ: نام قدیمی شهر مهاباد است که در زمان پهلوی اول، نام آن به مهاباد تغییر یافت. ساوجبلاغ به معنی چشمه سرد و خنک است و مهاباد نام پیامبری ایرانی است.

بی شک غزالی و آثار وی را اهل مطالعه و تحقیق می‌شناسند و دست کم همه ما با شخصیت این متفکر بزرگ و اهمیت کارهایش آشنا ایم. غزالی بیش و پیش از هر چیز نمونه و مجسمه کامل تحقیق و تلاش و پویش فکری است. همه خواننده‌ایم و شنیده‌ایم که وی در آغاز همچون طالبان علم عهد خویش به فراگیری دانش‌های دینی و فلسفی رو آورد و نزد بزرگانی چون امام‌الحرمین جوینی به تلمذ پرداخت. بعدها آوازه علمی‌اش چنان منتشر شد که وقتی به سال ۴۸۰ ه. به بغداد رفت مدرّسی نظامیه به وی تفویض شد.^۱ پس از مدتی نه‌چندان زیاد تغییراتی در احوال و افکارش رخ داد که طی آن به یافته‌های اکتسابی و حصولی پیشین خود شک کرد و از نظامیه گریخت که کتاب «المقصد من الضلال»^۲ بیانگر این ماجرای مهم روحی و فکری اوست.^۳

غزالی اندیشمند عافیت‌سوزی است که هرگز از بیان اندیشه‌هایش که با مجاهدات و ریاضات فکری و روحی بدان دست می‌یافت بیم و پروا نداشت و آرام و قرار نمی‌شناخت، به طوری که اگر قوس زندگی وی را با تکیه بر فحوای آثارش بخواهیم نشان دهیم فراز و فرودهایی می‌بینیم که نشان‌دهنده توفندگی و جوش و خروش اوست:

موج‌های تیز دریا‌های روح هست صدچندان که بُد توفان نوح^۴
از این روست که غزالی «مقاصد الفلاسفه»^۵ با غزالی «تهافت الفلاسفه»^۶ و یا غزالی

۱. غزالی‌نامه ص ۱۱۹

۲. این کتاب چند بار به فارسی ترجمه شده از جمله تحت عنوان «اعترافات» توسط زین‌الدین کیایی‌نژاد (مؤسسه عطایی ۱۳۴۹) و توسط صادق‌آیینه‌وند تحت عنوان «شک و شناخت» (امیرکبیر ۱۳۶۰).

۴. مثنوی دفتر ۴

۳. غزالی‌نامه ص ۱۲۴.

۵. تحت عنوان «خود آموز حکمت مشاء» به وسیله شادروان محمد خزاییلی ترجمه گشته. (امیرکبیر ۱۳۳۸)

«احیاء العلوم»^۷ با غزالی «الجام العوام»^۸ یکسان نیست. مهم‌ترین و حجیم‌ترین کتاب غزالی احیاء علوم‌الدین است در چهار بخش: عبادات، عادات، منجیات و مهلکات که وی به زبان عربی نگاشت. این کتاب سترگ در دنیای پس از غزالی بسیار تأثیرگذار بوده است و از دیرباز در غالب مراکز علمی و دینی تمامی عالم اسلامی و از جمله مناطق کردنشین درخور اهمیت و عنایت و توجه ویژه بوده است.

افراد فراوانی بوده‌اند که به ترجمه و تلخیص احیاء علوم‌الدین پرداخته‌اند که از جمله آنان فقیهی کردزبان به نام شرف‌الدین ابن منعه اربلی (متوفای ۶۲۲ هـ) بوده که دوبار احیاء علوم‌الدین غزالی را تحت عنوان‌های «کبیر» و «صغیر» خلاصه و بازنویسی کرده است.^۹ احمد غزالی (متوفای ۵۲۰ هـ)، برادر کهنتر غزالی، نیز آن را در یک جلد به نام «لباب الاحیاء» تلخیص نمود.^{۱۰} و نخستین بار خود ابو حامد غزالی بود که احیاء العلوم را زیر عنوان «کیمیای سعادت» به فارسی ترجمه و تلخیص نمود. افراد دیگری هم چنین کرده‌اند.^{۱۱}

علاوه بر این، یکی از دانشمندان بزرگ کردستان به نام علامه زین‌الدین عبدالرحیم بن حسین عراقی اهل اربیل (متوفای ۸۰۶ هـ) اخبار و احادیث به کاررفته در احیاء علوم‌الدین را تخریج نموده است. وی با تکیه بر اصولی که در علم‌الحديث وجود دارد احادیث به کار رفته در متن و مباحث گوناگون احیاء را نقد و بررسی کرده و نشان داده که آن دانشمند بزرگ یعنی غزالی اگرچه در معارف دینی و الهی نظریاتی ژرف و عمیق دارد لیکن حدیث‌دان زبده‌ای نبوده چرا که از احادیث و اخبار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۶. توسط علی اصغر حلبی به فارسی برگردانده شده. (زوار ۱۳۶۳)

۷. توسط دارالکتب العربی در بیروت (۱۹۸۵) منتشر گشته.

۸. «الجام العوام من علم الکلام» که گویا آخرین اثر غزالی است و شانزده روز پیش از مرگش نگاشته به تصحیح

محمد المعتمد بالله البغدادی. ۹. وفيات الاعیان، ابن خلکان.

۱۰. وفيات الاعیان، ابن خلکان.

۱۱. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به مقدمه شادروان حسین خدیو جم بر ربيع منجیات احیاء علوم‌الدین ص ۱۶.

ضعیف فراوان بهره جسته‌است و از این رهگذر این محدث یعنی امام اربلی خدمت پرارزشی به خوانندگان آثار غزالی از لحاظ نقد آن کرده به طوری که امروز معتبرترین چاپ احیاء علوم الدین چاپی است که مزین به پاورقی‌های نقدگونه امام اربلی است.^۱

گفتنی است احیاء علوم الدین در سال ۶۲۰ هـ به دست مؤیدالدین خوارزمی (یعنی ۱۱۵ سال پس از درگذشت غزالی) به فارسی ترجمه شد و در ایران نیز محقق کوشا شادروان حسین خدیوچم با استفاده از نسخه‌های متعدد ترجمه خوارزمی برای تصحیح این اثر گران سنگ پانزده سال صرف وقت کرد و بالاخره به چاپ رساند. یکی از نسخه‌هایی که مورد استفاده شادروان خدیوچم بوده (از میان چهارده نسخه که طی سفر به چندین کشور فراهم آورده بود) نسخه‌ای است در دو جلد شامل ربعهای مهلکات و منجیات که مصحح با عنوان «نسخه نفیس قاهره» از آن نام برده و می‌گوید: متعلق به دارالکتب القومیة قاهره است. این نسخه نفیس در زمان «بوداق سلطان» در مهاباد که آن زمان ساوجبلاغ نامیده می‌شد کتابت شده. خدیوچم در صفحه ۸۰۳ جلد دوم احیاء تصویری از صفحه آخر این نسخه خطی آورده که بنا به فحوای آن، کاتب اسماعیل مراغی نام دارد و خدا را سپاس می‌گوید که توفیق یافته تا ترجمه فارسی احیاء علوم الدین را کتابت کند که تصویر آن در ذیل می‌آید. در این مؤخره کاتب این نسخه را به امیر ساوجبلاغ مگری یعنی بداغ سلطان هدیه کرده و برایش آرزوی خیر کرده‌است.

بوداق سلطان یکی از امیران خاندان ساوجبلاغ مگری بوده و بنا به نوشته مؤلف «تاریخ مشاهیر کرد» وی نخستین میر مگری است که ساوجبلاغ را به صورت شهر درآورد و آنجا را مرکز مگریان کردستان قرارداد. پل و مسجد بزرگ سور هم از آثار نیک اوست که در سال ۱۰۸۹ هـ بنا کرد. زمان حکومت وی مقارن است با سلطنت شاه سلیمان صفوی و بداغ سلطان بسیار مورد توجه و احترام سلطان صفوی بوده و نزد مردم منطقه نیز به سبب خدمات و آثار نیکش محبوبیت زیاد داشته

۱. احیاء علوم الدین، الامام ابی حامد الغزالی، تصحیح شیخ عبدالعزیز عزالدین السیروان، دارالفلم بیروت.

و هم‌اکنون آرامگاهش در مه‌باد زیارتگاه است.^۱

و اما در ذیل عین عبارات پایانی نسخه خطی را که به زبان عربی است می‌آورم:

«والله ولی التوفیق، تمّ ربع المنجیات من ترجمه الكتاب احیاء علوم الدین بعون الله و لطفه و حسن توفیقه و وافق الفراغ منه فی يوم الأربعاء الواحد و العشرون من شهر صفر المظفر عام تسع و ثمانین و ألف من الهجرة النبویة المصطفویة علیه و علی آله افضل الصلوات و أكمل التحیات علی ید اقلّ عبیدالله و أحوجهم الی عفوہ و مغفرته و رحمته اسمعیل المراغی غفر الله له و لوالدیه و لمن دعا له بالمغفرة و لمن قرأ فیہ و لمن نظر الیه و لجميع المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات الأحياء منهم و الأموات انک قریب مجیب الدعوات آمین یا رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد آله و صحبه و سلم تسليماً دائماً أبداً الی يوم الدين.

الحمد لله علی اتمامه و الصلوة و السلام علی خیر خلقه محمد و آله قد واقف الفراغ عن تحریر کتابته و مقابلته مع اصله و ترجمته و تصحیح سقیمه بحسب اطلاع الذهن الفاتر علیه، فی القصبة الطیبه المساه بساوج بلاخ کردستان صانها الله تعالی عن الافات علی ید الفقیر الراجی عفوربه الباری اسمعیل ابن ملبخشی المراغی للأمیر المکرم اعلی الله شأنه بوداق سلطان ابن شیرخان المکری جعل الله یومه خیراً من امسه جعل هذا الكتاب وسیلة لزیادة دولته و نجاه له عن هفواته بمحمد و آله و اصحابه و حامدا و شاكر الله و مصلیاً و مسلماً علی رسوله و آله الطیبین و الطاهرین.»

- که با توجه به این مؤخره، اسماعیل مراغی از نوشتن کتاب احیاء علوم الدین در چهارشنبه بیست و یکم ماه صفر سال ۱۰۸۹ ه. فراغت یافته و علاوه بر کتابت آن، نسخه یا نسخه‌های دیگری هم در اختیار داشته که با آنها مقابله می‌کرده و غلطهای مندرج در آن را تصحیح می‌کرده و این اهمیت کار این کاتب فرهیخته را دوچندان می‌کند.

مرحوم حسین خدیوچم در صفحه چهارده جلد اول احیاء علوم الدین می‌نویسد:

«اما نسخه خطی ربعهای سوم و چهارم یعنی نیمه دوم این ترجمه - در کتابخانه ملی قاهره به نام دارالکتب القومیه بر جای مانده است که خوشبختانه پانزده سال پیش (۱۳۴۹ خورشیدی) به هنگام

۱. تاریخ مشاهیر کرد جلد سوم، ص ۳۷۶ و ۳۷۷.

منابع و مأخذ:

- ۱- احیاء علوم الدین، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیو جم، علمی فرهنگی، ۱۳۶۴.
- ۲- احیاء علوم الدین، الامام ابی حامد الغزالی، تصحیح شیخ عبدالعزیز عزالدین السیروان، دارالعلم، بیروت.
- ۳- تاریخ مشاهیر کرد (جلد سوم)، بابا مردوخ روحانی (شیوا)، سرپس، ۱۳۷۱.
- ۴- غزالی نامه، استاد جلال الدین همایی، نشر هما و فروغی، ۱۳۶۸.
- ۵- مثنوی، مولانا جلال الدین محمد بلخی، تصحیح نیکلسون، افس مولی.
- ۶- وفیات الاعیان و ابناء الزمان، ابن خلکان، به اشراف عباس احسان، دارصادر، بیروت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی